

# تروریسم و عملیات استشهادی

منصور میراحمدی\*، علی اکبر ولدبیگی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۹

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۴/۳۱

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره دوازدهم
- بهار ۹۵

تروریسم و عملیات

استشهادی

(۱۱۹ تا ۱۴۰)

## چکیده

برخی محققین، دو مفهوم «تروریسم» و «عملیات استشهادی» را با یکدیگر مرتبط دانسته و عملیات استشهادی را نیز نوعی تروریسم تلقی می‌کنند؛ لذا این پرسش مطرح می‌شود که «چه نسبتی بین تروریسم و عملیات استشهادی وجود دارد؟» این مقاله بر آن است با روش توصیفی-تحلیلی، در پاسخ به پرسش فوق مفهوم، شاخص‌ها و زمینه‌های ساختاری تروریسم و عملیات استشهادی را توضیح دهد و تمایز عملیات استشهادی با تروریسم را تبیین نماید. در اغلب موارد تروریست‌ها افراد بی‌گناه را مورد هدف قرار می‌دهند تا پیام خود را به حریف خود و افکار عمومی برسانند. کسانی که در عملیات تروریستی کشته می‌شوند جرمی مرتکب نشده‌اند و ناخواسته مورد هجوم قرار گرفته‌اند؛ لذا عملیات تروریستی یک حمله تجاوزکارانه است و با قوانین الهی و بشری سازگار نیست. هر عملیاتی که تحت چنین شرایطی صورت بگیرد، حتی اگر به نام دین هم باشد، تروریسم به حساب می‌آید. این درحالی است که عملیات استشهادی به دلیل برخورداری از شاخص‌های دینی و اخلاقی، فاقد هرگونه وجه اشتراک اساسی با تروریسم است و عمل تروریستی محسوب نمی‌شود، بلکه یک عمل دفاعی و دینی است بر متون اسلامی تکیه دارد و شئون انسانی و اخلاقی در آن رعایت می‌شود.

## واژه‌های کلیدی:

تروریسم، عملیات استشهادی.

\* استاد دانشگاه شهید بهشتی و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه

(mirahmady\_mansoor@yahoo.com)

\*\* کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه

(valadbig@yahoo.com)

## مقدمه

پژوهش حاضر به دنبال آن است که از مجرای نسبت‌سنجی میان «تروریسم» و «عملیات استشهادی»، وجوه تمایز آن‌دو را مشخص کند. برای این کار لازم است مفهوم، شاخص‌ها و زمینه‌های آن‌ها را به‌طور جداگانه بررسی کنیم؛ و از آنجایی که در پدیده‌ی تروریسم و عملیات استشهادی ساختارها و عوامل انسانی مؤثر هستند، چارچوب نظری ساختار-کارگزار را به‌کار خواهیم گرفت. برای درک عواملی که منشأ به‌وجود آمدن ساختارها و رفتار رهبران در چارچوب سازمان‌های تروریستی و عملیات استشهادی هستند، ناگزیریم زمینه‌های مؤثر در شکل‌گیری تروریسم و عملیات استشهادی را بیان کنیم. عوامل زمینه‌ساز تروریسم به دو دسته تقسیم می‌شوند: «زمینه‌های خارجی که بیرون از جهان اسلام هستند» و «عواملی که در داخل کشورهای اسلامی وجود دارند». ترکیب این دو با یک‌دیگر ساختاری را به‌وجود می‌آورد که موجب شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و تروریسم می‌شود. نقش ساختارها به‌همان اندازه تأثیرگذار است که رهبران و نیروهای انسانی مؤثر هستند؛ لذا تعامل این دو با یک‌دیگر تروریسم را خلق می‌کند. در عملیات استشهادی نیز زمینه‌های ساختاری‌ای وجود دارند که برگرفته از متون دینی هستند و رهبران به‌همراه استشهادکنندگان در چارچوب این ساختارها نقش آفرینی می‌کنند؛ یعنی رهبران با استنباط از منابع فقه اسلامی مجوز لازم برای شکل‌گیری عملیات استشهادی جهت دفاع از اسلام و مسلمین را فراهم می‌سازند.

## تروریسم: تعامل ساختار-کارگزار

### ۱. مفهوم تروریسم

تروریسم «Terrorism» از ریشه‌ی لاتینی «Terror» به‌معنای ترس و وحشت گرفته شده، و به آن‌دسته از رفتار و اعمال فردی یا گروهی اطلاق می‌گردد که از راه ایجاد ترس و وحشت و به‌کار بستن زور به‌دنبال دست‌یابی به هدف‌های سیاسی خود برمی‌آیند. هم‌چنین کارهای خشنونت‌آمیز و غیرقانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان و ترساندن آنان نیز در ردیف تروریسم قرار دارند که از آن تحت عنوان «تروریسم دولتی» یاد می‌شود (علی‌زاده، ۱۳۷۷، ص ۲۷۴)؛ آن‌دسته از اعمال تروریستی نیز که به‌منظور تأمین مقاصد سیاسی در سطح بین‌الملل انجام می‌گیرد «تروریسم بین‌المللی» اطلاق می‌گردند (طلوعی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۶). از آنجایی که تعاریف زیادی درباره‌ی تروریسم به‌عمل آمده و تعریف جامعی در این میان نیست که بتواند همه‌ی ابعاد تروریسم را پوشش دهد، به برخی از خصوصیات مشترک آن‌ها اشاره کرده و از بیان تعاریف متعدد صرف‌نظر می‌کنیم.

## ۲. شاخصه‌های تروریسم

الکس اشمید<sup>۱</sup> در اثر خود به نام «راهنمای تحقیق درباره‌ی مفاهیم، نظریه‌ها، اطلاعات پایه و تألیفات در باب تروریسم» بیش از صد تعریف از تروریسم گردآوری کرده و در مجموع به عناصری مشترک در تعاریف رسیده است که عبارت‌اند از: «خشونت»، «جنبه‌ی سیاسی پدیده»، «وحشت و ترس» (اردیلی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۹). عمومی‌ترین ویژگی تروریسم خشونت یا تهدید به خشونت است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶، صص ۳۹-۴۰). اقدام تروریستی دارای جنبه‌ی سیاسی از قبیل تأثیر بر نظام سیاسی یا نظام بین‌المللی و غیره طراحی می‌شود. تروریسم از طریق ایجاد ارباب و وحشت صورت می‌گیرد. در اغلب موارد صرف کشتن قربانیان ملاک تروریسم نیست و ممکن است این کار اتفاقی بوده باشد. ویژگی‌های دیگری هم از قبیل: قبول مسئولیت، غیرقانون‌مندی، عامل اقدام تروریستی، انگیزه و غیره برشمرده شده‌اند. تروریست‌ها با صدور اعلامیه قبول مسئولیت می‌کنند که این عمل ترویج‌کننده‌ی مواضع عقیدتی سیاسی و یا ملی آن‌ها است. غیرقانونی‌بودن، حکومت‌ها را از دایره‌ی تروریسم خارج می‌کند؛ مگر این که کار آن‌ها پنهانی و در زمانی غیر از زمان جنگ انجام شود. اقدامات جنگی اصولاً در حوزه‌ی تروریسم قرار نمی‌گیرند. انگیزه‌ی اقدامات تروریستی ممکن است متفاوت باشند. اگر سارقی به بانک حمله کند و پس از کشتن رئیس بانک با مقداری پول فرار کند، نمی‌توان او را تروریست نامید؛ ولی اگر انگیزه‌ی همین شخص در سرقت از بانک ایجاد ترس و وحشت در مردم یا مقاصدی مانند بی‌اعتماد کردن مردم به بانک‌ها و بی‌ثبات کردن اقتصاد کشور باشد، این کار یک اقدام تروریستی محسوب می‌شود.

## ۳. زمینه‌های تروریسم

### ۳-۱. زمینه‌های خارجی

منظور از زمینه‌های خارجی مجموعه‌ای از عوامل هستند که در خارج از کشورهای اسلامی - همانند: «نظم کنونی حاکم بر جهان»، «فقر و نابرابری»، «تعارض ارزش‌های اسلامی با غرب» و «تبعیض» - ساختار و بستر لازم را فراهم می‌کنند تا رهبران از چنین فضای به‌وجودآمده‌ای استفاده کنند و به‌بهانه‌ی مقابله با بی‌عدالتی، موجب تشکیل گروه‌های تروریستی و تروریسم شوند.

1. Alexp. Schmid.

### ۱-۱-۳. نظم کنونی جهان

نقش آمریکا در نظم کنونی جهان بسیار برجسته است. ایالات متحده با هم‌پیمانان‌اش نظمی را پایه‌ریزی کرده‌اند که در کنار سایر عوامل، زمینه‌ساز تروریسم در دنیای امروز شده است. دموکراسی غربی نطفه‌ی استعمار و استثمار را در خود به‌همراه دارد. غربی‌ها مرزبندی‌ای انجام داده‌اند و مردم دنیا را به انسان‌های درجه یک و درجه دو تقسیم کرده‌اند. اگرچه آن‌ها در قوانین خود قائل به حقوق و دموکراسی برای انسان بودند، اما این کار با ضد حقوق و دموکراسی برای انسان‌های دیگر همراه شد (اسلامی ندوشن، ۱۳۵۷، صص ۱۹۲-۱۹۵). چنین وضعیت سلطه‌آمیزی زمینه‌ی بسیار مستعد برای ادامه‌ی عملیات تروریستی است. براساس نظریه‌ی «ستیلائی مجدد» حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر این‌طور رخ می‌نماید که کشور آمریکا در دوران پس از فروپاشی شوروی با نوعی بحران توجیه مواجه شد. فروپاشی کمونیسم باعث گردید تا تعارض‌های ایدئولوژیک پیشین به‌متن جامعه‌ی آمریکا کشیده شده و از توان بسیج دولت تا حد زیادی کاسته شود؛ اما استفاده‌ی مناسب دولت بوش در پناه فضای به‌وجودآمده موفق شد تا در ذهنیت شهروندان، نهادهای بین‌المللی و کشورهای خارجی، تروریسم را به‌طور موفقیت‌آمیز، جایگزین کمونیسم نموده و بدین ترتیب توانایی سمبلیک نفوذ خود را افزایش دهد (نصری، ۱۳۸۸). آمریکا با این فضاسازی سعی داشت تا کشورهای مسلمانی هم‌چون ایران، سوریه، عراق، عربستان سعودی و افغانستان را تحت فشار قرار دهد. یعنی از یک‌سو اسرائیل را تجهیز می‌کرد و در مقابل، این حق را به کشورهای یادشده نمی‌داد که از فلسطینی‌ها دفاع کنند و جنایات اسرائیل را محکوم نمایند. بنابراین، نظم کنونی جهان بر اعمال زور استوار است. *اقبال صادق*<sup>۱</sup> بر آن است که نظم کنونی براساس قانون جنگل و این ایده که "قدرت حق است" بنا شده است. تاریخ جهان بر پایه‌ی تداوم بی‌عدالتی و ظلم از طریق زور بنا شده است. از صلح‌طلبی به‌عنوان سلاح وضع موجود برای خنثی کردن و بی‌اعتبار ساختن دشمنان استفاده می‌شود؛ اما وقتی جنبش‌های استقلال‌طلب در جهان از زور و خشونت استفاده می‌کنند، پای اخلاق به‌میان می‌آید (bashir, 2003, p.54).

نهادینه‌شدن نظم کنونی از زبان پترسون و هرمان عبارت است از این‌که: «حق سلطه‌جویی و تهاجم، حق کشتن افراد با تهمت تروریست، حق تصفیه‌ی نژادی، حق سرنگون‌سازی مخالفین، حق اعمال تحریم، عدم حق ایستادگی در برابر تهاجم برای مخالفین، عدم حق دفاع مخالفین، حق داشتن سلاح هسته‌ای و غیره، چهره‌ی غرب را از نظر

دولت‌های اسلامی زیر سوال برده است و نارضایتی از چنین اقداماتی زمینه‌ی تروریسم را فراهم کرده است» (پترسون و هرمان، ۱۳۸۸).

### ۱-۱-۳. فقر و نابرابری

اکنون ۲۰ درصد از فقیرترین مردم جهان فقط نیم درصد از کل درآمد جهان را در دست دارند. ۲۰ درصد از ثروتمندترین مردم جهان ۷۹ درصد درآمد جهان را در اختیار دارند. یک میلیارد نفر در جهان درآمدی زیر یک دلار در روز دارند؛ درحالی که ۷ میلیون نفر در سال به دلیل بیماری‌های قابل علاج می‌میرند (فکوهی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۵). در نظام کنونی جهان که مفاهیمی چون توسعه، عدالت اجتماعی، آزادی و رفاه، جز برای اقلیتی کوچک از ساکنان زمین واقعیت ندارد و اکثریت بزرگ مردمان آن در شرایطی بی‌ثبات، بحران‌زده، زیر فشار فقر و فساد حکومت‌های قومی و قبیله‌ای و مافیایی زندگی می‌کنند و ناچارند به‌طور دائمی خطر نیستی یا تنگ‌دستی و بی‌خانمانی را تحمل کنند، یافتن داوطلبانی برای انتحار تروریستی و برهم‌زدن نظام جهانی، حتی در محافظت‌شده‌ترین نقاط آن، کار چندان سخت و ناممکنی نیست و مردمان این نقاط پس از ۱۱ سپتامبر دیگر هرگز نخواهند توانست خود را از خطراتی مشابه آنچه برای مردم «جهان سومی» و کشورهای اسلامی نوعی روزمرگی در زندگی است، مصون احساس کنند (همان، ص ۱۹۹). در چنین شرایطی می‌توان اطمینان داشت که فشار فقر و نابرابری در کنار مشکلات دیگر، بدینی و نفرت از تمدن غرب را سرعت می‌بخشد.

### ۲-۱-۳. تعارض ارزش‌های اسلامی با غرب

به تعبیر هانتینگتون، جهان‌گرایی غربی و برخورد‌های خطرناک آتی احتمالاً از تعامل میان نخوت غربیان و تعصب مسلمانان سربرمی‌آورد. وی معتقد است که تمدن غرب بر تمام تمدن‌های دیگر تأثیر مهم و گاه مخرب داشته است و با افزایش نسبی قدرت تمدن‌های دیگر، جاذبه‌ی فرهنگ غرب رنگ‌می‌بازد. هانتینگتون چند عامل را موجب اختلاف غرب از جوامع دیگر ارزیابی می‌کند؛ از جمله‌ی این عوامل: حفظ برتری نظامی غرب به کمک سیاست منع گسترش و ضد گسترش تسلیحات اتمی، بیولوژیک و شیمیایی و ابزار پرتاب آن‌ها، پیش‌برد نهادها و ارزش‌های سیاسی غرب با اعمال فشار به کشورهای دیگر برای احترام به حقوق بشر براساس تلقی غرب و اتخاذ روش‌های دمکراتیک به‌شکلی که در غرب رایج است. در تمام این مرحله‌ها غرب برای دفاع از منافع خود در برابر کشورهای غیرغربی با دشواری‌هایی روبه‌رو بوده است و در آینده نیز مشکلاتی خواهد داشت (هانتینگتون، ۱۳۷۸، صص ۲۹۱-۲۹۵).

#### سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره دوازدهم
- بهار ۹۵

تروریسم و عملیات  
استشهادی  
(۱۱۹ تا ۱۴۰)

### ۳-۱-۳. تبعیض

جوامع غیر غربی در اشاره به شکاف میان عقیده و عمل غربی‌ها ذره‌ای تردید نمی‌کنند. دموکراسی مورد حمایت است، البته به شرط آن که باعث نشود بنیادگرایان اسلامی قدرت را به دست بگیرند. منع گسترش سلاح هسته‌ای در مورد ایران و عراق توصیه می‌شود، اما در مورد اسرائیل چنین نیست. حقوق بشر در چین مسأله‌ی مهمی است، اما در عربستان سعودی نه. تهاجم به کویت نفت‌خیز به شکل گسترده‌ای دفع می‌شود، اما هجوم به بوسنی بی‌نفت پاسخی در پی ندارد (همان).

بحث تبعیض در چارچوب نظریه‌ی "انتقام مقدس" ناظر بر مناسبات تبعیض‌آمیز است که در دوران مدرن گریبان‌گیر مسلمانان شده است. عامل این تبعیض و فقر، مناسباتی است که توسط قدرت‌های برتر و به دست حکام دست‌نشانده‌ی آن‌ها بر تار و پود زندگی مسلمانان مسلط شده است؛ برای اصلاح مناسبات فعلی باید پیا خاست (نصری، ۱۳۸۸، ص ۱۷). نظریه‌ی فوق حادثه ۱۱ سپتامبر را عارضه‌ی اجتناب‌ناپذیر این رابطه‌ی نابرابر و تبعیض‌آمیز می‌داند. جهان غرب تاکنون با نادیده گرفتن حقوق فلسطینیان به طور یک‌پارچه از حضور دولت اسرائیل در سرزمین‌های مقدس حمایت می‌کرده است. در نگرش جدید نخبگان سیاسی غرب، تا زمانی که اعراب خاورمیانه، اسرائیل را دشمن و تهدید علیه امنیت خود قلمداد کنند، تروریسم و تهدید امنیت نظام بین‌الملل فروکش نخواهد کرد (افضلی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۴). یکی از تبعیض‌هایی که پس از ۱۱ سپتامبر - که از پیامدهای «جنگ علیه تروریسم» به رهبری ایالات متحده‌ی آمریکا محسوب می‌شود - آن است که هزاران تن از اتباع کشورهای عربی و اسلامی در ایالات متحده به شکل گسترده‌ای بازداشت پیش‌گیرانه و دستگیر و زندانی شدند. به بیان پل‌ها فمِن از قول یکی از مفسران که اظهار می‌کند تنها ۳ نفر از حدود ۵ هزار نفر غیر اتباع بازداشت‌شده در این مرحله، متهم به جرائم تروریستی شده‌اند؛ در نتیجه زندگی برای بسیاری از غیر اتباع مقیم در ایالات متحده آمریکا دشوار شده است. این در حالی است که هنجارهای بین‌المللی، آشکارا تبعیض بر اساس نژاد، ملیت یا مذهب را منع می‌کنند.

### ۳-۱-۲. ضعف قوانین بین‌المللی و عدم همکاری جهانی

حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، ضمن توصیف اعمالی که می‌توان آنها را اعمال تروریستی نامید، اقدامات خشونت‌بار ارتكابی در نظامهایی که به نحوی همواره «تروریسم دولتی» را اعمال می‌کنند به عنوان اقدامات تروریستی تعریف و توصیف نمی‌کند. وقتی منافع همه کشورهای جهان تامین نمی‌شود، البته مبارزه با تروریسم بی‌معنا نیست اما آخرین چیزی است که به آن می‌اندیشند به بیان ساندرز، تروریسم بسان نوک یک کوه یخ شناور

است. اگر مشکل مربوط به آن حل نشود آن قسمت از این کوه یخی که در زیر آب شناور است در نقطه دیگر ظاهر می‌شود (همان، صص ۳۸۲-۳۶۵). قدرتهای غربی باید خود را برای مقابله با خطرهای جدی‌تری از ناحیه تروریسم آماده کنند. و در واقع زمینه این خطر در رفتار خود غرب نهفته است.

### ۳-۱-۳. رویکردهای تناقض‌گونه به حقوق بشر

پل هافمن، رئیس کمیته‌ی اجرایی بین‌المللی سازمان «عفو بین‌الملل» در مقاله‌ای معتقد است که شیوه‌ی انجام جنگ با تروریسم چارچوب حقوق بشر بین‌الملل را تهدید می‌کند. او قبل از افشای جزئیات زندان ابوغریب استدلال می‌کند که کنارگذاشتن حقوق بشر در مواقع بحرانی و اضطرار، کوتاه‌اندیشانه و مشکل‌آفرین خواهد بود. جنگ علیه تروریسم که بدون رعایت حاکمیت قانون آغاز شده، همان ارزش‌هایی که قرار است مورد حمایت قرار دهد را تهدید می‌کند. به اعتقاد او، تاریخ گواه بر این است هنگامی که جوامع، حقوق بشر را با امنیت معامله کرده‌اند، اغلب هیچ‌یک از آن‌دو را به‌دست نیاورده‌اند (هافمن، ۱۳۸۵، صص ۱۳۱-۱۳۳).

در فضای پس از ۱۱ سپتامبر، شرایط زندان گوانتانامو به‌گونه‌ای بود که زندانیان فاقد هرگونه حمایت قانونی بودند. ایالات متحده نه پذیرفت که این‌ها زندانیان جنگی‌اند، و نه از حمایت کامل حقوق بشردوستانه یا قواعد حقوق بشری برخوردارند (همان، صص ۱۳۷-۱۴۵). قضیه‌ی زندانی شدن سید عباسین<sup>۱</sup> که راننده‌ی تاکسی در افغانستان بود، نمونه‌ای از این مدعاست. او که به‌طور اتفاقی چند مسافر عضو طالبان را از کابل به شهر فست برده بود، پس از بازداشت به گوانتانامو انتقال داده شد؛ اما در آوریل ۲۰۰۳ بدون هیچ محاکمه یا اتهامی آزاد گردید. در این مدت با وصف صدمات به خود و خانواده‌اش نشان می‌داد که حقوق بشر در مورد وی رعایت نمی‌شود و به‌هیچ دادگاه یا وکیلی طبق مقررات کنوانسیون سوم ژنو دسترسی ندارد. این مورد و موارد مشابه نشان از آن دارند که در بسیاری از جاها حقوق بشر به‌بانه‌ی جلوگیری از تروریسم نادیده گرفته می‌شود؛ غافل از این که پایمال کردن حقوق بشر به‌نوبه‌ی خود می‌تواند زمینه‌ساز ساختار و بستر لازم برای تروریسم باشد. ناراضیان از این موقعیت استفاده می‌کنند و جواب این بی‌عدالتی‌ها را با ترور می‌دهند.

1. sayed Abassin.

#### ۳-۱-۴. عوامل تسهیل کننده‌ی تروریسم

##### ۳-۱-۴-۱. تأمین مالی تروریسم

مؤسسات مالی دارای ساختاری هستند که ممکن است وسیله‌ی سوءاستفاده قرار گیرند. مؤسسات بین‌المللی می‌توانند با تروریسم همکاری کنند؛ حتی خود دولت‌ها نیز ممکن است مستقیماً یا غیرمستقیم در سازمان‌دهی و طراحی فعالیت‌های تروریستی مشارکت نمایند (همان).

##### ۳-۱-۴-۲. پول‌شویی

پول‌شویی جرم غیرمشهودی است که مرز نمی‌شناسد. فروشنده مبالغ حاصل از عمل مجرمانه‌ی خود را منتقل می‌کند، یا به‌طریقی تغییر شکل می‌دهد که ظاهری قانونی و مشروع پیدا کند؛ تا بدین وسیله بدون فاش شدن منبع نامشروع پول، از آن استفاده نماید. در واقع، رسیدن پول‌های نامشروع به‌دست تروریست‌ها در قالب پول‌شویی، تسهیل کننده‌ی تروریسم است و دریافت این‌جور امکانات بدون ردیابی موجب تقویت تروریسم می‌شود (خمامی‌زاده، ۱۳۸۲).

##### ۳-۱-۴-۳. رایانه

فناوری رایانه‌ای، وسیله‌ی راحتی برای تحقق بخشیدن به بسیاری از اهداف سازمانی تروریست‌ها محسوب می‌شود. اینترنت با فراهم آوردن بیش‌ترین مخاطب برای مشاهده‌ی فعالیت‌های خشونت‌آمیز، موجب تکرار مضامین اصلی مبارزات آن‌ها می‌شود و امکان عضوگیری و تأمین منابع مالی را برای تروریست‌ها افزایش می‌دهد (فلینگ و استون، ۱۳۸۲، صص ۱۵۹-۱۶۲). به‌طور کلی تبلیغات رسانه‌ای در افزایش اقدامات تروریستی نقش به‌سزایی داشته است. رسانه‌ها پیام تروریست‌ها را به‌تمام دنیا منتقل می‌کنند یا اطلاعات ارزش‌مندی را در اختیار تروریست‌ها می‌گذارد (لیمن و پاتر، بی‌تا، ص ۲۶۷). بنابراین مؤسسات مالی دارای ساختارهایی هستند که امکان تأمین مالی تروریسم از طریق رایانه و پول‌شویی را فراهم می‌کنند.

##### ۳-۲. زمینه‌های داخلی تروریسم

همان‌طور که در زمینه‌های خارجی گذشت، در داخل دولت‌های اسلامی هم زمینه‌هایی از قبیل: منفعت‌طلبی حاکمان، استبداد، بحران مشروعیت، مشکلات اقتصادی و غیره وجود دارند که بسترساز تروریسم می‌باشند؛ افراد از این ساختار استفاده می‌کنند و روش ترور را به‌عنوان اعتراض برمی‌گزینند. بنابراین به برخی از این زمینه‌ها می‌پردازیم:



### ۳-۲-۱. قدرت و منافع هیأت حاکمه

یکی از تعریف‌هایی که از قدرت به عمل آمده، این است که قدرت عبارت است از مجموعه‌ی منابع و ابزارهای اجبارآمیز و غیر اجبارآمیزی که حکومت‌ها برای انجام کارویژه‌های خود از آن‌ها بهره‌مندند و سیاست‌مداران بر سر آن منابع با رقبا و مخالفین خود درگیر منازعه می‌شوند (بشیریه، ۱۳۸۰، ص ۲۹). سیاست‌مداران عموماً تمایل به رها کردن قدرت ندارند؛ لذا در بسیاری از این دولت‌ها از این که انتخابات مجددی در کار نیست، خشنودند. تصمیم ماندن بر مسند قدرت ممکن است نه تنها به علت تمایل به حفظ اعتبار و پاداش مادی باشد، بلکه گاهی ممکن است به دلیل هراس از عواقب ناشی از کناره‌گیری باشد (گلدتورپ، ۱۳۷۰، ص ۳۸۶). حفظ قدرت این امکان را می‌دهد که منافع زمامداران در این دولت‌ها دنبال شود. بروز خشونت و ترور می‌تواند واکنش به از دست رفتن یا تضعیف پایگاه‌های قدرت، امتیازهای اقتصادی و سیاسی باشد.

### ۳-۲-۲. استبداد

در اصطلاح سیاسیون، مراد از استبداد عبارت است از تصرف کردن فردی یا جمعی در حقوق یک ملت، بدون ترس از بازخواست. کواکبی خطر استبداد را به انحای گوناگون توضیح و تفسیر کرده است. او بر این باور است که حکمران مستبد، در امورات مردم به اراده‌ی خویش حکومت می‌نماید، نه به اراده‌ی مردم؛ با هوای نفس خود در میان مردم حکم می‌کند نه به قانون شریعت؛ مستبد اگر مانعی نباشد از حد تجاوز می‌کند، چراکه اگر ظالم در کمر مظلوم شمشیری ببیند، هرگز اقدام به ظلم نمی‌نماید (کواکبی، ۱۳۷۸، ص ۸۳). حکومت‌ها هنگامی که قدرت را در دست خود متمرکز می‌کنند، امکان این که بازیچه‌ی هوس‌های شیطانی قرار گیرند و به مخالفان خود اجازه‌ی انتقاد ندهند و افراد نالایق و چاپلوس، پست‌های حساس را برعهده بگیرند، وجود دارد. استبداد و خشونت، هم‌دلی اجتماعی را به کینه و دشمنی تبدیل می‌کند؛ با بذل و بخشش‌های غیرقانونی بیت‌المال را به هدر می‌دهد. این وضعیت موجب از بین رفتن ثبات سیاسی می‌شود (مصطفایی، ۱۳۸۷، ص ۴۰). بنابراین، وجود استبداد امکان نارضایتی را به همراه دارد و می‌تواند زمینه‌ی مساعدی را برای وقوع ترورسیم فراهم آورد.

### ۳-۲-۳. بحران مشروعیت

ماکس وبر، جامعه‌شناس معروف، مشروعیت سیاسی را به عنوان پذیرش قلبی حکومت حاکمان و نظام سیاسی از طرف حکومت‌شوندگان دانسته است (تقی‌زاده، ۱۳۷۹، صص ۱۵۵-۱۵۷). مسأله‌ی مشروعیت مربوط به ذات و ماهیت هر نظام سیاسی است. بحران مشروعیت در نظام‌های سیاسی هنگامی بروز می‌کند که دلایل و توجیحات فرمان‌روایان

سیاسی برای جلب اطاعت مردم قانع‌کننده نباشد و مبنای فکری و فلسفی اقتدار، مورد پرسش قرار گیرد (اله‌امی، ۱۳۸۵، ص ۱۹). تردید در نظام پادشاهی کشورهای اسلامی و بروز تروریسم در برخی از این کشورها، حکایت از این مسأله دارد.

#### ۴-۲-۳. فقدان دموکراسی

برخی، از دموکراسی کشورهای در حال توسعه، تحت عنوان "شبه دموکراسی" نام می‌برند. استقرار دموکراسی در کشورهای در حال توسعه (کشوهای اسلامی)، با موانع مهمی مواجه است؛ از جمله: سلطه‌ی گروه‌های اشرافی و قدیمی که دموکراسی را مغایر با منافع خود می‌یابند؛ سلطه‌ی ارزش‌های مطلق کهن و استحکام سنت‌ها؛ ادامه‌ی قدرت نهادهای قدیمی مغایر با دموکراسی، مثل دربار و ارتش؛ [علاقه‌مندی نهادهای قدیمی] به عدم پیدایش [طبقه‌ی] متوسط تجاری و صنعتی که معمولاً به تساهل و صلح و دموکراسی علاقه‌مندند؛ شدت شکاف‌های قومی، مذهبی و فرهنگی که معمولاً از اجماع و تفاهم اجتماعی جلوگیری می‌کنند و مقتضیات و فشارهای ناشی از فرآیند نوسازی و صنعتی‌کردن؛ از سوی دیگر، زمینه‌های مساعد برای گرایش به شیوه‌های حکومت اقتدارطلب نیز قوی بوده است. نتیجه‌ی ترکیب این عوامل، وجود شبه دموکراسی‌های بی‌ثباتی است که در کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است (همان، صص ۳۹-۴۰).

هم‌زیستی با دشمنان، نخستین پایه‌ی دموکراسی و پاسداری از آزادی‌های همگانی است (ابوالحمد، ۱۳۶۵، ص ۳۷۸). در برخی دولت‌های اسلامی به‌دلیل غیردموکراتیک‌بودن، تشویق به خشونت هم صورت می‌گیرد. اقلیت‌ها در دولت‌های اسلامی در معرض چنین گفتگوهایی قرار دارند؛ برای مثال: شیعیان در بعضی کشورهای اسلامی در معرض خشونت و تهدید هستند. یکی از گفتمان‌های خشن و زمینه‌ساز تروریسم "گفتمان وهابیت" است؛ این جریان فکری نه‌تنها نسبت به تشیع موضع‌گیری شدیدی دارد، بلکه با دیگر جریان‌های فکری‌ای که دارای گرایش‌های عقلی هستند، مخالفت می‌کند (موثقی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۸).

#### ۵-۲-۳. فقدان توسعه و مشکلات اقتصادی

اغلب دولت‌های اسلامی به‌لحاظ اقتصادی در وضعیت ضعیفی به‌سر می‌برند. پایین‌بودن توان اقتصادی و فقر و محرومیت مسلمانان از یک طرف، و نگاه آن‌ها به پیشرفت مادی غرب و مشاهده‌ی بالا‌بودن رفاه نسبی در کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی از طرف دیگر، زمینه‌ی مناسبی است برای شکل‌گیری نارضایتی از وضع موجود؛ که ساختار و بستر مناسبی را برای میل به تروریسم خلق می‌کند.

برخی معتقدند که یکی از موانع توسعه، تمرکز سیاست و اقتصاد است. میلتون فریدمن از تمرکز قدرت به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدید برای آزادی انسان‌ها یاد می‌کند. به‌میزانی که

دولت، منافع فراتر از منافع جامعه پیدا کند، برای فعالیت شهروندان دستورکار مشخص خواهد کرد؛ چنین تحولی شهروندان را در طیف فعالیت‌های خود محدود خواهد ساخت. به بیان دیگر، آزادی اندیشه و عمل در گرو توسعه و ثروت خصوصی است (سریع‌القلم، ۱۳۸۶، صص ۱۰۲-۱۰۴). مثلاً تمرکز سیاست و اقتصاد این قدرت را به *صدام حسین* داد تا با اعدام‌های دسته‌جمعی و ترور شخصیت‌های مخالف خود، مانع رشد و پیشرفت کشور شود. او تا آن‌جا پیش رفت که آیت‌الله صدر را مخفیانه اعدام کرد (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص ۹۷). در چنین دولت‌هایی هم حکومت به راحتی مخالفین خود را ترور می‌کند و هم مشکلات موجود زمینه را برای ترور و مخالفت مردم نسبت به حکومت‌هایشان فراهم می‌کنند.

ضعف فرهنگ اقتصادی دولت‌های اسلامی یک مشکل اساسی است. تجربیات کشورهای اوپک نمایانگر این است که وجود سرمایه، بالنفسه باعث توسعه اقتصادی نمی‌شود. با مثال ژاپن و کشورهای خاور دور، این مسأله مشخص است که عدم مالکیت منابع اولیه مانع عظیمی برای جهش رشد اقتصادی محسوب نمی‌شود. بسیاری از تحلیل‌گران یکی از علل مهم در سرعت و کیفیت رشد و توسعه‌ی این کشورها را بافت فرهنگی آنان دانسته‌اند (سریع‌القلم، ۱۳۸۲، صص ۱۸۱-۱۸۴). وقتی مشکلات اقتصادی و تعارضات جدی داخلی و خارجی حل نشده وجود داشته باشد، زمینه‌ی تقابل و امکان شکل‌گیری گروه‌های تروریستی هم پدید خواهد آمد. *سامه بن لادن* در سال ۱۹۹۶ میلادی در اعلامیه‌ای دلایل مخالفت‌اش را چنین بر می‌شمارد: بی‌عدالتی، فقر، حقارت، فشار و ظلم از جانب دولت، طرد قوانین شریعت و جایگزینی آن توسط قوانین ساخته‌ی بشری، هتک حرمت و توهین به حقوق بشر، اشغال ملک دو سرزمین مقدس توسط آمریکا، زندانی کردن علمای بی‌گناه توسط دولت، ناتوانی دولت در حفاظت از کشور (شیخ‌احمد، ۱۳۸۵). این اعلامیه گویای اختلافات شدید داخلی است. از دلایل این تعارضات، فقر و مشکلات اقتصادی عنوان می‌شود و معمولاً اکثر دولت‌های اسلامی برای کم کردن بحران و فشار مشکلات اقتصادی و غیره، به جای تکیه بر مردم خود، به قدرت‌های غربی و خارجی پناه می‌برند و این امر موجب حقارت و سرخوردگی داخلی شده و در بروز تروریسم مؤثر واقع می‌شود.

## عملیات استشهادی؛ تعامل ساختار-کارگزار

### ۱- مفهوم عملیات استشهادی

در فرهنگ لغت دهخدا در تعریف مفهوم استشهاد چنین آمده است: «شهادت یافتن یعنی کشته شدن در راه حق، شهید گشتن در راه حقیقت؛ اگر کشته شوم رواست که در طاعت خداوند خویش شهادت یابم». کلمه‌ی شهید را هاله‌ای از قدس و تعالی احاطه کرده

است و به کسی شهید گفته می‌شود که در یک راه مقدس و برای هدفی مقدس جان خود را از دست بدهد (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۴۴۵). عملیات شهادت طلبانه به اقدامی اطلاق می‌شود که شخصی با قصد قربت و با علم به شهادت و با هدف ضربه زدن به دشمن به انجام آن مبادرت می‌ورزد و در این بین کشته می‌شود (ورعی، ۱۳۸۹). به عبارت روشن‌تر باید عملیات استشهادی را در ردیف اقدامی دفاعی محسوب کرد.

## ۲. شاخصه‌های عملیات استشهادی

ساختار فکری و اعتقادات فرد یا گروهی که عملیات استشهادی انجام می‌دهند، نشأت گرفته از متون دینی است؛ دینی که این بستر را فراهم می‌کند تا رهبران و کنش‌گران به خوبی از آن بهره گرفته و نقش ایفا کرده و موجب آفریدن روشی دفاعی و جدید به نام عملیات استشهاد گردند. برخی از این ویژگی‌ها از این قرار است:

### ۲-۱. فی سبیل الله بودن

در همه آیات جهاد، فی سبیل الله بودن شرط و مشخصه‌ی جهاد شمرده شده است (قرآنی، ۱۳۷۹، ص ۳۷۷). تقدس جهاد در راه خدا به این خاطر است که نجات بندگان خدا و زنده کردن اصول حق و عدالت و پاکی و تقوی در گرو آن است و جنگ‌هایی که به خاطر توسعه طلبی، تعصب، توحش، استعمار و استثمار صورت می‌گیرند، چنین نیستند (مکارم شیرازی، بی تا، ج ۴، ص ۸).

### ۲-۲. ارزش و عظمت شهادت

رسول خدا (ص) فرمودند: «بالاتر از هر نیکی، نیکی است؛ تا آن که انسان در راه خدا کشته شود. پس چون در راه خدا کشته شد، بالاتر از آن نیکی، نیکی نیست» (کلینی، بی تا، ص ۵۳). امام علی (ع) با داشتن ده‌ها فضیلت انحصاری، فرمود: «فزت و رب الکعبه»؛ اما در هنگام شهادت فرمود: «فزت و رب الکعبه» (قرآنی، پیشین، ص ۲۲۷). این مطلب به تنهایی می‌تواند گویای ارزش شهادت باشد.

### ۲-۳. تکیه بر قدرت خدا

قدرت الهی برترین قدرت و مایه‌ی دل‌گرمی مؤمنان است و دفع شر دشمن از سوی خداوند مرتبط با حرکت خالصانه‌ی مؤمنین است (همان، ص ۳۹۵). انسانیت حکم می‌کند که در مسیر دفاع، از کارهای غیراخلاقی و وحشیانه دوری شود.

### ۲-۴. آگاهی از عمل

قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را خریداری می‌کند که در برابرش بهشت برای آنها باشد» (توبه، آیه ۱۱۱). هم‌چنین می‌فرماید: «پروردگار آنها

را به رحمتی از ناحیه‌ی خویش و خشنودی و باغ‌های بهشتی که در آن نعمت‌های جاودانه دارند، بشارت می‌دهد» (توبه، آیات ۲۰ و ۲۱). بنابراین آگاهی‌یافتن از پیامد عمل که همان پاداش الهی و رضایت و خشنودی پروردگار متعال است، انگیزه‌ی استشهاد را بیش‌تر می‌کند.

### ۳. زمینه‌های عملیات استشهادی

زمینه‌هایی که مورد اشاره قرار می‌گیرند، ساختار تشکیل‌دهنده‌ی عملیات استشهادی محسوب می‌شوند؛ بنابراین استشهادکنندگان در تعامل با این ساختار عمل می‌کنند که به مواردی از آن‌ها می‌پردازیم:

#### ۱-۳. حفظ اسلام و مسلمین با انگیزه الهی

اسلام به‌عنوان آخرین دین الهی برای حفظ موجودیت خود و رسیدن به مقاصدش از روش‌های متناسب با خود بهره می‌گیرد. در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی: «و لن یجعل الله الکافرین علی المؤمنین سبیلاً» (نساء، آیه‌ی ۱۴۱) واژه‌ی "سبیل" به شکل نکره و در سیاق نفی است و معنی عموم را می‌رساند و استفاده می‌شود که کافران نه‌تنها از نظر منطق؛ بلکه از نظر سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و از هیچ‌نظر به افراد با ایمان چیره نخواهند شد. اگر پیروزی آن‌ها بر مسلمانان در میدان‌های مختلف دیده می‌شود به این خاطر است که بسیاری از مسلمانان، مؤمنان واقعی نیستند و وظایف و مسئولیت‌های خویش را فراموش کرده‌اند. نه از اتحاد و اخوت اسلامی خبری هست و نه جهاد به معنی واقعی کلمه انجام می‌دهند (مکارم شیرازی، پیشین، ص ۱۷۳).

فقها در مسائل مختلف فقهی، برای اثبات عدم تسلط کفار بر مؤمنان به آیه‌ی فوق استناد می‌کنند. فتوای اکثر فقهای شیعه از جمله امام خمینی (ره) بر این اساس است:

«اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد: از بذل جان و مال و در این امر احتیاج به اذن مجتهد جامع الشرایط نیست و اگر مسلمانان بترسند که اجانب نقشه استیلا بر بلاد مسلمین را کشیده‌اند چه بدون واسطه یا با واسطه عمال خود از خارج یا داخل واجب است از ممالک اسلامی به هر وسیله که امکان داشته باشد دفاع کنند» (۱۳۷۹، ص ۵۵۳).

ایشان هم‌چنین می‌فرمایند:

«کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا معنایش این نیست که هر روز کربلاست؛ هر روز بنشینید گریه بکنید: مقابله‌ی اسلام با کفر، مقابله‌ی عدل با

ظلم، مقابله‌ی عدد کم با ایمان زیاد، در مقابل عدد زیاد با بی‌ایمانی. نه از جمعیت کم (خودتان) بترسید و نه از شکست بترسید؛ شکستی در کار نیست. وقتی کار برای خدا باشد، شکست تویش نیست؛ کشته بشوید بهشتی هستید، بکشید هم بهشتی هستید» (بی‌تا، ج ۱۰، ص ۸).

### ۲-۳. امر به معروف و نهی از منکر

در قرآن کریم به نهی از طاغوت تصریح شده است. خداوند متعال می‌فرماید:  
«و لقد بعثنا فی کل امه رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت؛ همانا ما در میان هر امتی پیامبری را برانگیختیم (تا به مردم بگویند) که خدا را بپرستید و از طاغوت دوری نمایید» (نحل، آیه ۳۶).

در تفسیر آیه‌ی فوق گفته‌اند که طاغوت از ماده‌ی طغیان، به معنی متجاوز و متعدی از حد و مرز است و به هر چیزی که وسیله‌ی تجاوز از حد گردد، نیز گفته می‌شود. از این جهت به شیطان، بت، حاکم جبار و ستمگر و مستکبر و بالاخره مسیری که به غیر حق منتهی گردد، طاغوت گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ج ۱۱، ص ۲۲۲). بنابراین اطاعت کسانی که اسلام و مسلمانان را در معرض تعدی خود قرار می‌دهند، مورد نهی خداوند قرار گرفته و مبارزه برای جلوگیری از تسلط طاغوت ضروری می‌باشد.

#### ۱-۲-۳. تکیه بر بیگانگان و ولایت کفار

خداوند با بیان امری، خطاب به مؤمنان و مسلمانان می‌فرماید:  
«لا تتخذوا الیهود و النصارى اولیاء؛ یهود و نصاری را تکیه‌گاه خود قرار ندهید» (مائده، آیه ۵۱).

یکی از منکرات، پذیرش ولایت کفار است؛ بنابر تفسیر این آیه، منظور این نیست که مسلمانان هیچ‌گونه رابطه‌ای با یهود و مسیحیان نداشته باشند، بلکه منظور این است که با آن‌ها هم‌پیمان نگردند و در برابر دشمنان روی دوستی آن‌ها تکیه نکنند؛ شکی نیست که خداوند افراد ستمگری را که به خود و برادران و خواهران مسلمان خود خیانت کرده و بر دشمنان تکیه کنند، هدایت نخواهد کرد (مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۴، صص ۴۰۹-۴۱۰).

#### ۲-۲-۳. حمایت نکردن از محرومان

قرآن کریم با لحنی عتاب‌آلود به مسلمانانی که از جهاد روی برمی‌گردانند، می‌فرماید:  
«و ما لکم لا تقتلون فی سبیل الله و المستضعفین؛ چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکان که (به‌دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، بی‌کار نمی‌کنید؟!» (نساء، آیه ۷۵).

امام خمینی(ره) در این باره می‌گوید: «از این جهت که شما می‌خواهید اطاعت امر خدا بکنید، نهی از منکر کنید؛ بزرگ‌ترین منکر، غلبه‌ی اجانب بر ماست. این منکر را باید نهی کنید» (بی‌تا، ج ۸، ص ۴۷). برخی از موارد امر به معروف عبارت‌اند از: اطاعت از خدا و رسول و عمل به دستورات آن‌ها، حمایت از محرومان و ستم‌دیدگان، تکیه نکردن بر ظالمان و ستمگران.

خداوند متعال می‌فرماید:

«و لا ترکوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار...؛ و تکیه بر ظالمان نکنید که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد و از آن حال جز خدا، هیچ ولی و سرپرستی نخواهید داشت» (هود، آیه ۱۱۳).

در تفسیر آیه‌ی فوق آمده است که تکیه بر ظالم، مفساد فراوانی می‌آفریند و باعث تقویت آن است و موجب گسترش دامنه‌ی ظلم می‌شود. تکیه بر ظالمان در فرهنگ فکری جامعه تدریجاً اثر می‌گذارد و مردم را به ستم کردن و ستمگر بودن تشویق می‌کند (مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۶۱).

فقها اضافه بر این که در کتب فقهی-استدلالی به بیان احکام و مسائل جهاد و دفاع پرداخته‌اند، در مواقع لزوم که سرزمین اسلامی یا عزت و استقلال مسلمین در معرض تجاوز بیگانگان قرار می‌گرفت نیز با احساس مسئولیت وارد میدان می‌شدند و مردم را به دفاع و ایستادگی در برابر دشمن ترغیب می‌کردند. به‌رغم آن که با سلاطین جائر سر ناسازگاری داشتند و آنان را غاصب منصب ولایت می‌دانستند، هر گاه با هجوم متجاوزان به بلاد اسلامی روبه‌رو می‌شدند، بنا بر قاعده‌ی دفع افسد به فاسد، مجوز همکاری با سلاطین جائر را صادر می‌کردند (نجفی، ۱۳۸۹).

### ۳-۳. مبارزه با سلطه‌ی بیگانگان و ضرورت دفاع از حقوق مسلمین

یکی از زمینه‌های عملیات استشهادی، مبارزه با تجاوزگری و سلطه‌ی بیگانگان بر دولت‌های اسلامی و سرزمین‌های اسلامی است. البته این مبارزه می‌تواند انفرادی بوده یا جمعی باشد. تقریباً همه‌ی فقهای شیعه، جهاد دفاعی در برابر هجوم کفار و بیگانگان به کشورهای اسلامی را، که موجب از بین رفتن اسلام و به‌خطر افتادن جان و مال مسلمین می‌شود، واجب می‌دانند. به بیان صاحب جواهر، در صورتی که مسلمانان مورد هجوم دشمنان اسلام از جمله کفار قرار گیرند و اصل اسلام به‌خطر افتد و یا اراده‌ی استیلاء بر بلاد اسلامی داشته باشند و این مسأله موجب اسارت و اخذ اموال مسلمانان باشد، در چنین شرایطی بر حرّ و عبد، زن و مرد، سالم و مریض و نابینا و غیره در صورت احتیاج واجب

است به هر صورتی اقدام کنند و نیاز به حضور و اذن امام معصوم (ع) نیست (بی تا، ج ۲۱، صص ۱۸-۱۹).

امام خمینی (ره) در جهت مبارزه با سلطه‌ی اسرائیل، به مسلمانان خطاب می‌کند:

«ای قطره‌های جدا از اقیانوس قرآن و اسلام، به خود آید و به این اقیانوس الهی متصل شوید، و به این نور مطلق استناره کنید تا چشم طمع جهانخوران از شما ببرد و دست تطاول و تجاوز آنان قطع شود، و به زندگانی شرافتمندانه و ارزشهای انسانی برسید از این زندگی ننگین که مثنی اسرائیلی دوره‌گرد بر شما حکومت کنند و مسلمانان مظلوم را در حضور شما پایمال نمایند رهایی یابید» (مصباحی، ۱۳۸۱).

وقتی از نویسنده‌ی کتاب تحقیقی و مستند "پاره‌های پولادین" در رابطه با دلیل شرعی عملیات استشهادی سوال می‌شود، می‌گوید: امام خمینی (ره) حسین فهمیده را رهبر ۱۳ ساله‌ای می‌خواند که نارنجک به خود می‌بندد و باعث انفجار تانک دشمن می‌شود. این فتوای عمومی است و برای حزب‌الله، ملاک، نظر شرعی امام خمینی (ره) می‌باشد. همین خبرنگار در مصاحبه‌ای دیگر با سیدحسن نصرالله - رهبر جنبش حزب‌الله - که گفته بود «وقتی فیلم برخی عملیات استشهادی را برای امام خمینی (ره) می‌بردم، امام در مورد شهدای عملیات شهادت طلبانه می‌گوید که: این‌ها عارفان حقیقی هستند». نویسنده می‌گوید: این‌ها نظر یک رهبر و ولی فقیه و مرجع مجتهد بود (زیباکلام، ۱۳۸۹).

حزب‌الله توانست ۱۸ سال با اسرائیل بجنگد و نهایتاً برای نخستین بار اسرائیل را وادار به اعتراف کند که شکست خورده است. آنچه کمر صهیونیسم را شکست، همین پدیده‌ی عملیات استشهادی بود. سیدحسن نصرالله - رهبر جنبش حزب‌الله - گفت:

«به این نتیجه رسیدیم که اگر صدها تانک اسرائیل را هم منهدم کنیم (که نمی‌توانستیم) برای آن‌ها خیلی مهم نبود؛ اما اگر یک نفر سربازشان کشته شود، موجی از ترس و وحشت در میان آن‌ها ایجاد می‌شود و از ادامه‌ی جنگ باز می‌مانند» (مؤمنی، ۱۳۸۹).

بنابراین، برای اخراج دشمن از سرزمین اسلامی و جلوگیری از تجاوز و پیشروی اوست که مسلمانانی که شیفته‌ی جانفشانی در راه اسلام هستند، دست به عملیات استشهادی می‌زنند. یکی از مقامات سابق سازمان جاسوسی اسرائیل، ژنرال گول لافت، در نشریه‌ی فارین افرز مقاله‌ای نگاشته بود که در آن آمده بود:



«در شرایط نابرابر نظامی میان مبارزان فلسطینی و نظامیان صهیونیست، فلسطینی‌ها چاره‌ای جز این ندارند که به عملیات استشهادی روی آورند و در مقابل این نوع عملیات‌ها، اسرائیلی‌ها حربه‌ای در اختیار ندارند (۱۳۸۹).  
فهمی هویدی نویسنده‌ی مشهور عرب در تحلیل عملیات استشهادی می‌گوید:  
«همان‌طور که مسلمان باید تا آخرین لحظه به آباد کردن زمین بپردازد، تا آخرین رمق از زندگی شرافتمندانه نیز دفاع می‌کند؛ لذا کسانی که جان خود را برای دفاع از حق و حقوق خود قربانی می‌کنند تا ملتشان زندگی شرافتمندانه‌ای داشته باشند به این دلیل که در راه دفاع از حق، عدالت و کرامت جان خود را از دست می‌دهند، شهید و مجاهد در راه خدا به حساب می‌آید»  
(پورحسن، ۱۳۸۱).

بنابراین، عملیات استشهادی یک عمل تأثیرگذار برای رزمندگان لبنان و فلسطین، جهت عقب‌راندن دشمن صهیونیستی از سرزمین‌های‌شان محسوب می‌شود. بازتاب این عملیات‌ها که ابتدا در لبنان و با عملیات شهادت‌طلبانه‌ی شهید احمد جعفر قصیر در سال ۱۳۶۱ شروع شد، بسیار تأثیرگذار بوده است. عملیاتی که قصیر با فدا کردن جان خود پایگاه فرماندهی ارتش اسرائیل در شهر صور را منفجر کرد و باعث کشته‌شدن تعدادی از افسران نظامی اسرائیل، از جمله عاموس ریمون رئیس اطلاعات ارتش اسرائیل شد (بی‌نا، بی‌تا، ۱۳۸۹).

### جمع‌بندی (مقایسه‌ی ویژگی‌ها و شاخص‌ها در جهت تفاوت)

همان‌طور که در مرور شاخص‌های تروریسم اشاره کردیم، خشونت از ویژگی‌های مهم تروریسم است. اما اگر فقها به عملیات استشهادی رضایت می‌دهند، رضایت آن‌ها در واقع کاشف از حکم خداوند است که از متون دین استخراج می‌شود؛ حکمی که به مسلمانان اجازه می‌دهد تا از تجاوز کفار جلوگیری کنند و مسلمانان در این مبارزه از کارهای وحشیانه پرهیز می‌کنند. استشهادکننده سفارتخانه‌ها و مردم بی‌گناه و بی‌دفاع را هدف قرار نمی‌دهد؛ بلکه کسانی را هدف قرار می‌دهد که به جان و مال و ناموس مسلمانان تعرض داشته و به سرزمین‌های اسلامی هجوم آورده باشند. منبع اصلی برخی از اعمال خشونت‌آمیز که دارای ظاهر مذهبی هستند، دین نیست؛ البته ممکن است عملیات تروریستی تحت نام دین انجام گیرد، اما وقتی حادثه به‌خوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، مشاهده می‌شود که ارتباط منطقی با دین نداشته است. به‌عنوان مثال: ترور منافقین در جریان انقلاب اسلامی ایران اگر چه با ظاهر مذهبی شروع شد، ولی در اصل به مبانی مارکسیستی معتقد

بودند. ماهیت دین این است که «هر کس نفسی را بدون حق قصاص و یا بی آن که فساد و فتنه‌ای در روی زمین کند، به قتل برساند؛ مثل آن است که همه‌ی مردم را کشته است». دین اسلام، دین عطوفت و مهربانی و دین تبلیغ است؛ نه دین خشونت و جنگ (دیلیاک، ۱۳۶۸، صص ۱۶۹-۱۷۱). اسلام حتی در حال جنگ هم انهدام اماکن عمومی، کشتن زنان و اطفال را نهی می‌کند و اصل بر عطوفت و مهربانی و تبلیغ دین است. به بیان روشن‌تر، جنگ در اسلام برای دفاع و در صورت ضرورت رخ می‌دهد.

ویژگی دیگر تروریسم، وحشت‌انگیزی و ترس است؛ این عمل از طریق ایجاد ارعاب و وحشت صورت می‌گیرد و غالباً کشتن قربانیان را ملاک نمی‌داند. قربانی ممکن است بر اساس اتفاق باشد یا به راحتی تغییر کند؛ اما در عملیات استشهادی آماج با هدف مرتبط است. یک طرف کفار و متجاوزین و طرف دیگر استشهادکننده و مسلمانانی هستند که مورد هجوم و تجاوز قرار گرفته‌اند و هرگز اعمال وحشیانه و ارعاب و وحشت‌انداختن در بین مردم بی‌گناه و کسانی که در جنگ با مسلمانان نباشند، مورد تأیید اسلام نیست.

انگیزه‌ی یک اقدام تروریستی اغلب برای رسیدن به اهداف سیاسی یا منافع شخصی و گروهی و غیره است؛ اما انگیزه‌ی عملیات استشهادی، الهی و معنوی است؛ استشهادکننده برای دست‌یافتن به وعده‌های الهی به دفاع از اسلام می‌پردازد. عظمت و ارزش شهادت نیز از دیگر عناصر متمایزکننده‌ی ترور از عملیات استشهادی است. استشهادکننده جان خود را می‌دهد تا در مقابل، به حیات ابدی و رستگاری برسد. مقابله با ظلم و تجاوز و اعتقاد به معاد، از صفات برجسته‌ی یک مسلمان است. قبول شهادت در مسیر حفظ اسلام صفات انسانی را تکمیل می‌کند؛ اما تروریسم بر یک عمل غیرانسانی استوار است که منفور خداوند و همه‌ی انسان‌های عدالت‌طلب جهان است؛ چراکه بنای تروریسم بر هراس‌افکنی و کارهای غیراخلاقی است و در جهت منافع مادی غیرعقلایی و غیرانسانی صورت می‌گیرد. فی سبیل‌الله بودن یک از ویژگی‌های اساسی عملیات استشهادی است و استشهادکننده با توکل و اعتماد به قدرت الهی، که برترین قدرت و مایه‌ی دل‌گرمی مؤمنان است، دست به چنین عملیاتی می‌زند؛ اما تروریسم بر قدرت‌های مادی تکیه دارد.

غیرقانون‌مندی از ویژگی‌های تروریسم عنوان‌شده است که ابتدا حکومت‌ها را از دایره‌ی تروریسم خارج می‌کند؛ مگر این که کار آن‌ها پنهانی و در زمانی غیر از زمان جنگ بوده باشد. چون اقدامات جنگی اصولاً در حوزه‌ی تروریسم قرار نمی‌گیرند؛ اما اقدام استشهادی همان‌طور که اشاره کردیم، مبتنی بر قانون شریعت با محوریت فقها و حاکم اسلامی است و

این عمل در چارچوب و ضابطه‌ی اسلامی انجام می‌گیرد؛ لکن اعمال تروریستی در هر صورت، کاری غیرانسانی بوده و مورد پسند اسلام نیست.

یکی از شاخصه‌های اصلی عملیات استشهدادی جنبه‌ی دفاعی آن است. اگر جان و مال و سرزمین مسلمانان به خطر افتد یا مورد تجاوز بیگانگان قرار گیرد و هیچ راه دیگری برای مقابله وجود نداشته باشد، جز با فدا کردن جان خود؛ در این هنگام عملیات استشهدادی جایز است. در جهاد دفاعی، استشهدادکننده این آزادی را ندارد تا به هر عملی دست بزند. در فقه اسلامی به امور ممنوعه‌ای در زمان جهاد دفاعی اشاره شده است که عبارتند از: سلاح‌های کشتار جمعی از قبیل: سلاح‌های شیمیایی، هسته‌ای؛ شیوه‌های وحشیانه در جنگ‌های شهری هم‌چون: گروگان‌گیری، آتش زدن درختان و مزارع، انهدام اماکن عمومی، کشتن زنان، اطفال و غیر نظامیان، مثله کردن؛ غدر یا عملیات ناجوانمردانه‌ای که نوعی اطمینان‌دهی به دشمن باشد و با جلب اعتماد وی همراه شود (مثلاً از دشمن امان گرفته باشد)؛ شیبخون؛ غافل‌گیری ناجوانمردانه؛ آغاز به جنگ بدون دعوت (عمید زنجانی، ۱۳۸۵).

بنابراین در جهاد دفاعی و عملیات استشهدادی در زمان غیبت امام معصوم(ع) از اعمال ناجوانمردانه استفاده نمی‌شود و صرفاً ملاک و معیار، دفاع است؛ اما در تروریسم از اکثر موارد فوق استفاده شده و به کارگیری این روش‌ها برای وادار کردن طرف مقابل به تن دادن به خواسته‌های تروریست‌ها و یا بازداشتن آنان از انجام مجموعه‌ای از اقدامات می‌باشد. اقدام تروریستی ماهیتاً جنبه‌ی غافل‌گیری دارد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶ ص ۲۰۰).

## منابع

۱. قرآن.
۲. بی‌نا (۱۳۸۹) پایان سرخ قصیر. سایت تبیان (<http://tebyan.net>)؛ دیده‌شده در تاریخ: ۸۹/۳/۳.
۳. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۵) مبانی سیاست: جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: توس.
۴. اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۱) مفهوم تروریسم، در: «تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل (مجموعه‌ی مقالات و سخنرانی‌ها، همایش پنجم و ششم دیماه ۱۳۸۰) تهران: روزنامه رسمی دانشکده علوم قضایی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۹.
۵. اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۲) انقلاب ایران: بازتاب جهانی آن؛ ترجمه‌ی محسن مدیر شانه‌چی. تهران: باز.
۶. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۵۷) ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم. تهران: توس.
۷. افضل‌ی، رسول (۱۳۸۵) پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۷۵، ص ۱۶۴.

### سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره دوازدهم
- بهار ۹۵

تروریسم و عملیات  
استشهدادی  
(۱۱۹ تا ۱۴۰)

۸. الهامی، علی (۱۳۸۵) مشروعیت، ماهنامه آموزشی اطلاع‌رسانی معارف، شماره ۳۶، خرداد و تیر ۱۳۸۵، ص ۱۹.
۹. بشیریه، حسین (۱۳۸۰) آموزش دانش سیاسی. تهران: مؤسسه نگاه معاصر.
۱۰. پترسون، دیوید؛ هرمان، ادوارد. اس (۱۳۸۸) مؤلفه‌های نظم نوین جهان امپریالیستی. باشگاه اندیشه (<http://www.bashgah.net/pages-34724.html>)؛ دیده‌شده در تاریخ: ۸۸/۵/۱۷.
۱۱. پورحسن، ناصر (۱۳۸۱) مجله‌ی حضور، شماره ۴۰، سایت حوزه ([Howzah.net](http://Howzah.net)).
۱۲. خمایی‌زاده، فرهاد (۱۳۸۲) مبارزه با پول‌شویی در بانک‌ها و موسسات مالی: نگاهی به قانون ضد تروریسم ایالات متحده آمریکا، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوق بین‌الملل، شماره ۲۹، صص ۵-۶.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (بی‌تا) لغت‌نامه دهخدا، ج نهم. بی‌جا: چاپ ادیب.
۱۴. دیلیپاک، عبدالرحمن (۱۳۶۸) تروریسم؛ ترجمه‌ی معاونت فرهنگی. بی‌جا: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۵. زیباکلام، سارا (۱۳۸۹) ققنوس‌های زیتون: گفتگو با نویسنده‌ی اولین کتاب تحقیقی و مستند درباره عملیات استشهادی حزب‌الله؛ همشهری آنلاین (<http://www.hamshahronlin.ir/hamnews/1385/8505/world/ketabw.htm#S2097>)، دیده‌شده در تاریخ: ۱۳/۳/۱۳۸۹.
۱۶. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۲) عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶) فضای خصوصی، منحنی جی و توسعه‌یافتگی، فصلنامه سیاسی اجتماعی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۹، ۱۳۸۶.
۱۸. شیخ احمد، مهدی بخشی (۱۳۸۵) بررسی علل و عوامل اندیشه‌ای و عینی شکل‌گیری القاعده؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده‌ی حقوق علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۹. طلوعی، محمود (۱۳۷۷) فرهنگ جامع سیاسی. تهران: علمی، چاپ دوم.
۲۰. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۶) تروریسم‌شناسی. تهران: ابرار معاصر.
۲۱. علیزاده، حسن (۱۳۷۷) فرهنگ خاص علوم سیاسی. تهران: روزنه.
۲۲. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵) اصول و مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه (جهاد). تهران: سپهر.
۲۳. فکوهی، ناصر (۱۳۸۴) در هزارتوهای نظم جهانی. تهران: نشر نی.
۲۴. فلمینگ، پیترو؛ استول، مایکل (۱۳۸۲) سایبر تروریسم: پندارها و واقعیت؛ ترجمه‌ی اسماعیل بقایی هامانه، عباس باقرپور اردکانی؛ در «تروریسم تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق» نویسندگان: جیمز دردریان و دیگران؛ گردآوری علی‌رضا طیب؛ مترجمان وحید بزرگی و دیگران. تهران: نشر نی.
۲۵. قرائتی، محسن (۱۳۷۹) تفسیر نور، ج ۲، ۸ و ۱۰. قم: انتشارات در راه حق.

۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا) الکافی، ج ۵، باب فضل الشهداء، حدیث ۲.
۲۷. کوکبی، سید عبدالرحمان (۱۳۷۸) طبایع الاستبداد؛ ترجمه‌ی: عبدالحسین میرزا قاجار. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۸. گلدتورپ، جی. ای (۱۳۷۰) جامعه‌شناسی کشورهای جهان سوم: نابرابری توسعه؛ ترجمه‌ی جواد طهوریان. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
۲۹. لافت، گول (۱۳۸۹) نگاه یک استراتژیک به علل استقبال مردم فلسطین از عملیات شهادت طلبانه؛ مترجم: نگاره حسینیان؛ سایت باشگاه اندیشه ([www.bashgah.net](http://www.bashgah.net)) دیده‌شده در تاریخ: ۸۹/۳/۵
۳۰. لیمن، مایکل؛ پاتر، گری (بی تا) تروریسم به‌عنوان جرمی سازمان‌یافته؛ ترجمه‌ی دکتر سید قاسم زمانی و علی‌رضا طیب؛ در «تروریسم تاریخ، جامعه‌شناسی، گفت‌وگو».
۳۱. مصباحی (۱۳۸۱) امام خمینی و فلسطین، حضور، شماره ۴۰.
۳۲. مصطفایی، عبدالمحمد (۱۳۸۷) وفاق اجتماعی: آسیب‌شناسی و راهبردهای گسترش آن. تهران: آوای نور.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸) حماسه حسینی (مجموعه آثار) ج ۱۷. قم: صدرا.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (بی تا) تفسیر نمونه، ج ۴، ۸، ۹ و ۱۱.
۳۵. موثقی، سید احمد (۱۳۷۴) جنبش‌های اسلامی معاصر. تهران: سمت.
۳۶. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹) رساله توضیح‌المسائل. قم: نجات.
۳۷. مؤمنی، محسن (۱۳۸۹) کرانه‌های امید و حزب‌الله می‌آید؛ سایت تبیان (<http://tebyan.net>) دیده‌شده در تاریخ: 1389/3/3.
۳۸. نجفی، احمد (۱۳۸۹) از عملیات شهادت طلبی شیعه تا عملیات انتحاری «القاعده». سایت درگاه پاسخ‌گویی به مسائل دینی (<http://www.porjoo.com/fa/node/734230>) دیده‌شده در تاریخ: ۱۳۸۹/۲/۱۴.
۳۹. نجفی، محمدحسن (بی تا) جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۱.
۴۰. نصری، قدیر (۱۳۸۸) حادثه ۱۱ سپتامبر: نظریه‌ها و تفاسیر؛ نشریه مطالعات راهبردی، شماره ۱۸ و ۱۷.
۴۱. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹) درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: سمت.
۴۲. ورعی، سیدجواد (۱۳۸۹) مبانی فقهی عملیات شهادت طلبانه، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۲۷.
۴۳. هافمن، یل (۱۳۸۵) حقوق بشر و تروریسم، ترجمه‌ی: علی‌رضا ابراهیم‌گل، مجله‌ی حقوقی، شماره‌ی ۳۴، صص ۱۳۱-۱۳۳.
۴۴. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸) برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی؛ ترجمه‌ی محمدعلی حمید رفیعی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

45. Bashir, Hassan (2003) Terrorism Definition. Roots and solutions. published by:  
Book Extra, Great- Britain. p.54.

---

فصلنامه

علمی

پژوهشی

---

مستقیم